



## فلسفه موجود نمی تواند بحث آزادی را حمایت کند/ فلسفه همچنان مهجور است

یک عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی با بیان اینکه فلسفه در جامعه و مراکز علمی ما مهجور بوده و می توان گفت همچنان هم مهجور است؛ گفت: به نظرم فلسفه ای که اکنون در جامعه و مراکز علمی ما وجود دارد فلسفه خیلی زنده ای نیست که بتواند بحث آزادی را حمایت و پشتیبانی کند.

یک عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی با بیان اینکه فلسفه در جامعه و مراکز علمی ما مهجور بوده و می توان گفت همچنان هم مهجور است؛ گفت: به نظرم فلسفه ای که اکنون در جامعه و مراکز علمی ما وجود دارد فلسفه خیلی زنده ای نیست که بتواند بحث آزادی را حمایت و پشتیبانی کند.

به گزارش خبرنگار مهر، چهارمین نشست اندیشه های راهبردی جمهوری اسلامی، 24 آبان ماه به بحث و بررسی در خصوص ابعاد مختلف موضوع «#171؛آزادی» پرداخت. مقام معظم رهبری طی سخنانی در این نشست تأکید کردند: برخلاف غرب، ما تا پیش از نهضت مشروطیت موقعیتی که در باب آزادی، موج فکری ایجاد کند نداشتیم که این موقعیت نیز به علت یک نقیصه مهم یعنی تقلید روشنفکران از تفکرات غربی، به دستاورد خاصی در مقوله آزادی منجر نشد. در گفت و گو با دکتر شریف لکزایی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و از حاضران در نشست به بررسی عوامل فقدان سنت قوی آزادی در ایران پرداختیم که اکنون از نظر شما می گذرد.

\*در ابتدا در مورد کلیت برگزاری نشست و نقاط قوت و ضعف آن، نظر خود را بیان کنید؟

به نظرم فکر جدیدی در چهارمین نشست اندیشه های راهبردی که با موضوع آزادی در محضر رهبر انقلاب اسلامی ارائه شد، حداقل در سخنرانی ها مطرح نشد، اگرچه چند سخنرانی خوب و قابل تأمل بود و فکر می کنم بحثهای قابل قبولی داشتند، اما چندین مقاله اصلاً غیر قابل تحمل بود. جلسات نیازمند مدیریت بود، وقت و زمانی که در این جلسات اختصاص می یابد بسیار ارزشمندتر از این است که در جلسات بنشینند و راجع به چیزهایی که خیلی مهم نیست و راجع به چیزهایی که همیشه راجع به آن حرف زده شده، دوباره صحبت شود.

در جلساتی که نزد رهبر انقلاب برگزار می شود، باید مباحث دسته بندی و جمع بندی می شد و علی القاعده دو، سه فکر متفاوت با هم صحبت می کردند و در رقابت با هم بحث های خود را مطرح می کردند و در این جلسه ، طرح مسأله این گونه صورت می گرفت که راجع به این بحث فکر و تأمل صورت گیرد تا جلسه حاصلی داشته باشد. ضمن اینکه می توانست مشکلات جاری جامعه هم طرح شود. البته مقام معظم رهبری با بحث جامعی که ارائه فرمودند به ویژه درباره سنت آزادی در جامعه ما بحث&shy؛هایی را مطرح و خلأ موجود در این بخش را مورد توجه قرار دادند. ایشان فرمودند: سنت آزادی در جامعه ما ضعیف است و تأکید کردند که برخلاف ما سنت آزادی در جامعه غربی قوی است و پشتوانه خیلی خوبی وجود دارد.

اصل برگزاری این نشست در نزد مقام معظم رهبری خوب و بجاست، ولی شیوه مدیریتی اینها جای تأمل دارد. به نظرم خیلی ها در موضوع مورد بحث تخصص ندارند، و در این بحثها باید از افراد صاحب نظر بیشتر استفاده شود، و سلايق و علایق بیشتری را در نظر بگیرند تا بحثها به صورت یک سوبه مطرح نشود. حرفهای جدید و نو مطرح شود و دیدگاه و افکار متفاوت و مختلف امکان طرح داشته باشند که به نظر می رسید نشست چهارم فاقد این ویژگی بود. البته افرادی که دعوت شده بودند از سلايق مختلفی بودند، اما کلام و دیدگاه سلايق مختلف در این نشست، بروز و ظهور نداشت.

باید مقالاتی که ارائه شد و یا دیدگاه صاحبانظران، جمع بندی می شد و در این نشست الگویی راهبردی ارائه می شد. به هر حال وقتی در مورد آزادی صحبت می کنیم دغدغه و مشکلی وجود دارد، ما چگونه از این وضعیت عبور کنیم و این مشکل را به سامان برسانیم. در جامعه چگونه باید برخورد صوت گیرد تا آزادی نهادینه شود؟ باید به این سؤالا پاسخ داده می شد، نه اینکه صرفاً مقاله ای در مورد مسائل نظری آزادی ارائه شود؛ این کار را می توان در یک جمع علمی دیگر هم انجام داد، البته مقام معظم رهبری از این نشست و مقالات ارائه شده استقبال کردند، اما به نظرم طبیعت این گونه نشستها این است که نگاه جامع و جمع بندی و راهبردی ارائه شود؛ همان طور که عنوان نشست هم نشست راهبردی است، ولی از طرف مدیریت این جلسات و نشستها، راهبردی مشاهده نکردیم.

\*شما در حوزه آزادی چه کارهای علمی و پژوهشی انجام داده اید؟

در بحث آزادی قبلاً مقاله ای با عنوان «#171؛روش شناسی فهم مسأله آزادی در اندیشه سیاسی اسلام» نوشته ام که منتشر شده و طرح مسأله ای که در این مقاله شده در واقع به همین بحث می پردازد که چرا ما در بحث آزادی مشکل داریم و دغدغه کجاها هست و چرا به اینجا رسیدیم؟ و ... .

مقاله «#171؛مسأله آزادی در فلسفه سیاسی آیت الله جوادی آملی» که خلاصه آن در خبرگزاری مهر تحت عنوان «#171؛آزادی در دستگاه فلسفی حکمت متعالیه» منتشر شد مقاله جدیدی است که در شماره نهم فصلنامه «#171؛اسراء» اخیراً از بنده منتشر شده است. در این مقاله سعی شده بحث ها در فضای فلسفه متعالیه انجام شود. مقاله سومی هم از بنده در شماره 101 مجله خردنامه همشهری در مرداد سال جاری تحت عنوان «#171؛آزادی از منظر امام خمینی و حکمت صدرایی» منتشر شده است که به بحثهای فلسفی متعالی در ارتباط با آزادی کمک می کند. این سه مقاله دارای بحثهای مهمی در مورد مباحث فلسفی آزادی است.

\*چرا جامعه ما دارای سنتی قوی در خصوص آزادی نیست؟

طبیعتاً پرسش شما این مسأله را مفروض گرفته که سنت قوی در باب آزادی نداریم، من هم این مسأله را تأیید و تصریح می‌کنم که ما سنت قوی در باب آزادی نداریم. اینکه چرا این گونه است؟، به علل و دلایل مختلفی بستگی دارد. ما می‌توانیم بحث‌های مختلفی را اینجا مطرح کنیم. مهمترین و نکته‌ساز برجسته‌ای که می‌توان در فقدان سنت قوی در باب آزادی از آن یاد کنیم، فقدان سنت فلسفی و فلسفه سیاسی کارآمد و رایج در جامعه ما است. سنت فلسفی و به خصوص فلسفه سیاسی در جامعه ما قوی نبوده و نیست. یعنی در طول این سالها متفکران، اندیشمندان و فیلسوفان بسیار برجسته‌ای داریم، ولی این برجستگی و فلسفه‌های برجسته و متفاوتی که در قالب مشاء، اشراق، یمانی و متعالیه داریم به سنت قوی فکری در جامعه ما منتهی نشده است؛ اگرچه در مقاطعی توانسته تأثیرگذار هم باشد.

برای مثال معتقدم این سنت فلسفی ما توانسته در مشروطه تأثیرگذار باشد و در انقلاب اسلامی هم به صورت خاص توانسته تأثیرگذار باشد، اما بحث این است که این سنت، یک سنت رایج و قوی در جامعه ما نبوده است؛ به این معنا که فیلسوفان ما از یک ارج و قربی در جامعه برخوردار باشند. مراکز علمی باید به این بحث به صورت جدی، عمیق و همه‌جانبه توجه کنند و بر این نظر باشند که مشکل جامعه ما این است که فاقد پشتوانه فلسفی در جامعه هستیم و در واقع بر این امر تأکید شود که اگر بخواهیم مشکلات جامعه ما و به خصوص بحث آزادی حل شود و به نتیجه‌ای برسد و ما به جایگاه درخوری دست پیدا کنیم، نیاز داریم مسائل و مشکلات و موضوعات ما بر یک سنت فلسفی مبتنی شود.

فیلسوفان ما خیلی از مواقع به صورت مخفیانه زندگی کرده‌اند؛ نمونه‌اش خود ملاصدراست که برخلاف جریان فلسفی رایج، مشی و عمل کرد و در نهایت ترجیح داد که جامعه و فضای علمی، سیاسی و اجتماعی آن روز را ترک کند و در یک نقطه دورافتاده‌ای بنشیند و طرح خود را در آنجا تکمیل کند و به بار بنشاند. اینها نشان می‌دهد که نگاه‌های جدید و به ویژه فلسفی در جامعه ما جایی نداشته است و جامعه علمی و حکومت از آن استقبال نکرده است. بنابراین نشان می‌دهد که فضای آزادی برای طرح این گونه مسائل وجود نداشته است. اگر کسی حرف جدیدی ارائه می‌کرد نمی‌توانست از یک پشتوانه و پایگاه معرفتی قوی‌ای حمایت شود و طبیعتاً در سنت علمی و مراکز علمی ما جای خود را پیدا نمی‌کرد و مورد تشویق و حمایت و تأمل قرار نمی‌گرفت.

در واقع در طول تاریخ به بهانه‌های مختلف با فیلسوفان مخالفت شده است و فلسفه در جامعه و مراکز علمی ما مهجور بوده و می‌توان گفت همچنان هم مهجور است؛ یعنی به نظرم فلسفه‌ای که اکنون در جامعه و مراکز علمی ما وجود دارد فلسفه خیلی زنده‌ای نیست که بتواند بحث آزادی را حمایت و پشتیبانی کند.

\*یعنی به نظر شما فلسفه اسلامی توانایی لازم برای وارد شدن در بحث آزادی را ندارد؟

علی‌رغم اینکه به لحاظ تنوع و نظری می‌تواند از این امکان برخوردار شود، که بتواند آثرا پشتیبانی کند ولی چیزی که رایج است و به آن فلسفه اسلامی می‌گوئیم و در مراکز علمی مورد تحصیل و تدریس قرار می‌گیرد، آن فلسفه‌ای که مد نظر ماست و می‌تواند بحث‌هایی مثل آزادی را پشتیبانی کند، نیست و حضور چندان زنده‌ای ندارد. فیلسوفان، عموماً به دلایل مختلفی مخالف مشی جاری حکومتها حرکت می‌کردند و از این رو با محدودیتهای زیادی هم مواجه بودند. برای مثال خود ملاصدرا هیچ سنخیت و سازگاری و رفت و آمدی با حکومت صفویه نداشت، به رغم اینکه حکومت صفویه داعیه اعتقادی، دینی، ولایی و شیعی دارد ولی ملاصدرا با آن کنار نمی‌آید و از آن دور می‌شود.

در دوره معاصر هم برخورد با فیلسوفان و فلاسفه وجود داشته است. برای مثال حضرت امام(ره) نمونه برجسته‌ای است که با ایشان مخالفت شده است به دلیل این که فلسفه می‌گوید. داستان شکستن کوزه‌ای که حاج آقا مصطفی از آن آب خورد به دلیل این که پدرش فلسفه درس می‌گفت در حوزه معروف است. خود حضرت امام(ره) هم بارها از متحجران و ... گلایه و شکوه دارند که بخشی از این بحث را در مقاله «171#تکوین حکمت متعالیه از ملاصدرا تا امام(ره)» ترسیم کردم. ملاصدرا دچار چه مشکلاتی بود؟ امام(ره) دارای چه مشکلاتی بود و به کجا رسید؟ در بحث دیگری به عنوان آزاداندیشی در حوزه‌های شیعی، باز این بحث را بسط دادم و آنجا از منظر مسأله آزاداندیشی به آن پرداخته‌ام.

\*به نظر شما راهکار در چیست، برای اینکه سنت قوی در آزادی داشته باشیم باید چه کار کنیم؟

ما برای اینکه به یک سنت قوی در آزادی دست پیدا کنیم چاره‌ای نداریم جز اینکه سنت فلسفی خودمان و به خصوص فلسفه سیاسی را تقویت کنیم و عالمانه فلسفه اسلامی را وارد مباحث سیاسی و اجتماعی کنیم. فلسفه فارغ از سیاست و جامعه، مطلوب ما نیست و به نظرم حتی ممکن است انحراف هم تلقی شود و وقت و عمر و ذهن و فرصتهای ما را به هدر دهد. وقتی فلسفه نتواند یک برنامه سیاسی و اجتماعی و اقتصادی به ما ارائه کند و ما را در مسائل اجتماعی یاری کند طبیعتاً بیهوده تلقی می‌شود و نمی‌توانیم از آن استفاده کنیم. نه تنها برای تقویت مسأله آزادی و حضور قوی آزادی در صحنه اجتماع ما نیازمند یک فلسفه قوی هستیم، بلکه حتی برای حل بسیاری از مشکلات و مسائل مان به فلسفه نیازمندیم.

حتی می‌توان گفت که علم بدون فلسفه هم بی‌پایه است و علم نیست و پندار و وهم است. اگر دانش، پایه و بینش فلسفی نداشته باشد چیزی جز پندار و توهم و تقلید نیست. اینکه در جا می‌زنیم و سنت منسجمی در جامعه ما نمی‌تواند پا گیرد به خاطر عدم توجه به سنت فکری و فلسفی ماست. به هر حال باید به طور روزانه بر آن تأکید شود. بنابراین آزادی هم بدون پشتوانه فلسفی و اندیشه‌های تقلیدی و وارداتی در جامعه برقرار نمی‌شود. سنت آزادی وقتی در جامعه ما عملی می‌شود که پشتوانه فلسفی داشته باشد و از دل جامعه ما بجوشد؛ یعنی بعد تقلیدی حضور نداشته باشد یا حداقل کمرنگ باشد و یا در تعامل با اندیشه‌های رقیب قرار گیرد. باید به جای تقلید صرف بحث تعامل با اندیشه‌های دیگری را مطرح کنیم.

بنابراین چاره اصلی، حضور فلسفه و نگاه فلسفی و فلسفه سیاسی است که ما اکنون در آن دچار ضعف هستیم و در قلت و نذاری به سر می‌بریم و چیزی که موجود است چیزی نیست که ما مدنظرمان است و طبیعتاً نمی‌تواند در جامعه هم تأثیرگذار باشد. از این رو باید تحولی در مراکز علمی ما به خصوص در حوزه فلسفه اتفاق بیفتد تا این نگاه‌ها به فلسفه اسلامی و فلسفه سیاسی اسلامی را تغییر دهد و یک فلسفه زنده‌ای را به ما ارائه کند.

خیلی از دروسی که بنام فلسفه اسلامی در مراکز ما جاری و جریان دارد از جامعه بریده است و بیشتر لفاظی و وراقی است تا فلسفه. یعنی فلسفه‌ای که درباره آزادی و عدالت و خیلی از مفاهیم دیگری که در جامعه ما مطرح است، برنامه و طرحی نداشته باشد و پشتوانه‌ای برایش تمهید نکند مطلوب ما نخواهد بود.

